سال چهلم ■ شماره ۱۱۲۱۸
روزنامه صبح ایران

نتایج کنکور همچنان خبر از عدالت آموزشی نمی دهد

# عدالت، حلقه مفقوده کنکور

**گروه اجتماعی**

معمولا با اعلام نتایج کنکور سراسری و انتشار اسامی نفرات برتر در رشته های مختلف، سخن از عدالت و فقدان آن در سیستم آموزشی به میان می آید. کلیدواژه ای پرتکرار که منادیانِ عدالت آموزشی در نقد و نکوهش آن بسیاری پیش از این گفته و نوشته اند.

به روایت آنان، برخی مدارس غیرانتفاعی علاوه بر دریافت ده ها میلیون تومان از والدین، امکانات ویژه ای در اختیار دانش آموزان قرار می دهند و در دوره های متوسطه، با شرط تضمین قبولی در کنکور تنها کسانی را ثبت نام می کنند که خانواده آن ها از توان مالی کافی برخوردارند.

مدافعان عدالت آموزشی پیوسته هشدار می دهند؛ طی سال های اخیر مشکلات ساختار آموزشی که مهم ترین آن تبعیض سرانه امکانات در سطح کشور، فاصله سطح آموزش در مدارس دولتی و غیردولتی و کمبود معلم برای همه سطوح تحصیلی است، به افت درسی دانش آموزان در مقاطع مختلف منجر شده و دانش آموزانی که شرایط مناسبی برای تحصیل ندارند، در زمان کنکور هم میزان معلوماتشان به حد همتایانشان در مدارس غیردولتی و سمپاد نمی رسد و طبیعتا شانس زیادی برای موفقیت ندارند.

این واقعیت مسلم را کمتر کسی می تواند انکار کند که مقوله کیفیت آموزش در مدارس دولتی به میزان قابل توجهی افت کرده و بسیاری از شرایط و لوازم آموزش استاندارد در این نوع مدارس مهیا نیست. در یک نمونه، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی مهر ۱۴۰۲ اعلام کرد که بیش از هفت هزار مدرسه دولتی فاقد آب لوله کشی شهری و روستایی اند و بیش از پنج هزار مدرسه حتی سرویس بهداشتی هم ندارند.

ناظر بر اظهارات کارشناسان حوزه آموزش و پرورش، کیفیت تدریس و دانش معلمان شاغل در مدارس دولتی نیز با معلمان در مدارس غیردولتی تفاوت محسوسی دارد. به همین دلیل در یک دهه گذشته، تفاوت در نرخ موفقیت دانش آموزان مدارس دولتی در کنکور سراسری، نسبت به همتایانشان در مدارس غیردولتی همواره بیشتر شده است.

اگرچه مقام های دولتی به تناوب ادعای تقویت و توسعه مدارس دولتی را مطرح می کنند اما امروز هیچ کس از شرایط حاکم بر مدارس دولتی راضی نیست. بنابراین اگر فرصتی فراهم آید بسیاری از خانواده ها فرار را برقرار ترجیح می دهند، چراکه هزینه های جاری این مدارس با انواع و اقسام شگردها از جیب والدین تأمین می شود. در مقابل معدود مدارس باکیفیت همچون سمپاد که جمعیت زیادی را هم پوشش نمی دهند، با بودجه عمومی اداره می شوند!

مدارس سمپاد به صورت خلاصه عبارت اند از مجموعه هایی که اولا دانش آموزان بااستعداد و نخبه را به شکل سیستماتیک غربال کرده و وارد این مدارس می کنند و ثانیا هم از بودجه عمومی و هم از جیب خانواده ها تغذیه می شوند تا دانش آموزان ذاتا آماده و بااستعداد را به دانشگاه های معتبر وارد کنند. نتیجه اولیه چنین اقدامی چیست؟ تفکیک دانش آموزان بااستعداد و دانش آموزان ضعیف تر. اما دانش آموز ضعیف چگونه دانش آموزی است؟ دانش آموزی که یا به خاطر مسائل مالی و سکونت در مناطق محروم کشور توان پرداخت هزینه های مرتبط با کلاس ها و جزوات کمک درسی را ندارد و یا این مدارس در مناطق آن ها وجود ندارد که بخواهد با هدف ورود به آن تلاش ویژه و مضاعفی داشته باشد و یا والدین او در سطحی از سواد و اطلاعات عمومی نیست که بتواند فرزند خود را کمک کرده و او را برای ورود به این مدارس آماده کند.

این روزها انتشار یک لیست چهل نفره از دارندگان رتبه های برتر کنکور باری دیگر این واقعیت تلخ را به رخ می کشد که راه ورود به دانشگاه های برتر که می تواند آینده دانش آموز را تغییر دهد، از مدارس عادی دولتی نمی گذرد!

گزارش روزنامه فرهیختگان و اطلاعات به دست آمده از ۳۷ رتبه برتر گروه های آزمایشی امسال، نشان می دهد «درمجموع ۷۸ درصد آن ها در مدارس سمپادی درس خوانده اند. در این میان سهم غیرانتفاعی ها ۱۰ درصد و سهم نمونه دولتی ها هم ۸ درصد بوده است. همچنین نگاهی جزئی تر به ۳ گروه اصلی یعنی ریاضی، علوم تجربی و علوم انسانی وضعیت را متفاوت تر هم می کند؛ چراکه ۷۷ درصد نفرات برتر این گروه ها جزء دانش آموزان سمپادی بوده اند. وقتی این آمار را در کنار ۳۰ داوطلب برتر سال گذشته قرار دهیم، نشان دهنده رشد ٤ درصدی مدارس سمپادی است؛ چراکه در آزمون سال گذشته درمجموع ۷۳ درصد نفرات برتر ریاضی، علوم انسانی و تجربی از صندلی مدارس سمپاد خودشان را به دانشگاه رسانده بودند. نگاهی به وضعیت مدارس مابقی نفرات برتر ۳ گروه آزمایشی هم نشان می دهد که ۱۳ درصد آن ها در مدارس غیرانتفاعی و ۱۰ درصد نیز در مدارس نمونه دولتی تحصیل کرده اند. عملا هیچ داوطلبی از مدرسه دولتی عادی نتوانسته بود خودش را به جمع برترین ها برساند. موضوع جالب اینجاست که از بین نفرات برتر امسال تنها ۱۰ درصد یعنی یک مورد از نفرات برتر رشته علوم تجربی در مدرسه نمونه دولتی درس خوانده بود و مابقی همگی از مدارس سمپاد بوده اند. این آمار در گروه علوم ریاضی به ۷۰ درصد می رسد؛ یعنی از بین ۱۰ برگزیده این گروه، ۷ نفرشان در مدارس سمپاد درس خوانده و ۳ نفر دیگر جزء دانش آموزان غیرانتفاعی بوده اند و بازهم ردی از مدارس دولتی حتی نمونه دولتی هم در بین آن ها نیست. در علوم انسانی هم از بین ۱۰ نفر، ۷ نفرشان سمپادی، یک نفرشان غیرانتفاعی و دو نفر دیگر هم در مدارس نمونه دولتی تحصیل کرده اند. حداقل می توان عنوان کرد که مدارس دولتی نمونه سهمی ولو اندک در بین علوم انسانی ها داشته اند.»

این درحالی است که ۸۸ درصد دانش آموزان کشور در مدارس عادی دولتی و تنها ۱۲ درصد دانش آموزان در مدارس نیمه دولتی و انتفاعی تحصیل می کنند. ضمن اینکه افزایش روند ترک تحصیل دانش آموزان در مقطع دبیرستان نشان می دهد که دانش آموزان مدارس عادی دولتی امید چندانی به تغییر در آینده خود از مسیر تحصیل ندارند. از این رو کارشناسان نظام آموزشی و معلمان با انتقاد از تغییر مقررات کنکور سراسری در سال های اخیر می گویند: تأثیرگذاری نمرات دوران تحصیل و معدل سال های دبیرستان هم نتوانسته به توفیق دانش آموزان مدارس دولتی در پذیرش دانشگاه بینجامد، چراکه دانش آموزان مدارس عادی دولتی از اکثر مزایایی که در اختیار مدارس غیرانتفاعی و سمپاد است، محروم مانده اند.

### تقصیر غیردولتی ها نیست!

گروهی از کارشناسان هم بر این باورند که مقصر وضعیت فعلی مدارس غیردولتی نیستند. مطابق دیدگاه این گروه از کارشناسان «دانش آموزان این مدارس با هزینه و شهریه خود به این مدارس رفته و تحصیل می کنند و باری جدید بر دوش بودجه عمومی تحمیل نمی کنند. حتی با حضور یک دانش آموز در مدرسه غیردولتی، صندلی تازه ای در مدارس دولتی خالی می شود تا دولت بتواند خدمات بهتری به دانش آموزان محروم ارائه کند. در نقطه مقابل مدارس سمپاد آزمون ورودی دارند و شهریه اندکی هم از دانش آموز دریافت می کنند، اما بودجه و امکانات دولتی را با خود دارند و سازمان عریض و طویلی نیز متصدی اداره این مدارس است. این موضوع البته رهاسازی اغلب مدارس عادیِ دولتی را توجیه نمی کند و بر کسی پوشیده نیست که بیش از هشتاد درصد مدارس عادی در وضعیتی بسیار بحرانی قرار دارند. ولی مدارس سمپاد علاوه بر هزینه ای که از خانواده ها دریافت می کنند، دست در جیب دولت هم دارند. هزینه ساختمان مدرسه و حقوق معلم و پرسنل و سخت افزار و نرم افزار و... در مدرسه دولتی بر عهده مؤسس است و حتی با وجود این هزینه ها حق گزینش معلم و یا ارائه محتوای متفاوت و مورد تقاضای خانواده ها را هم ندارد اما این هزینه ها در مدارس سمپاد بر عهده دولت است.»

### سمپادی ها و بی عدالتی آموزشی؟

این گروه از کارشناسان معتقدند، در برخی کشورها به خاطر اعتماد به بخش خصوصی و با هدف افزایش بازدهی و کیفیت آموزشی، هزینه ها را دولت می دهد اما مدرسه به صورت غیردولتی و توسط بخش خصوصی اداره می شود تا کیفیت ذاتا پایینِ تصدیِ دولتی، لطمه ای به آموزش دانش آموزان نزند. اما در کشور ما، رسانه ها و منتقدان مدام از خصوصی سازی آموزش انتقاد کرده و ایجاد وحشت از گسترش آن را دامن می زنند اما به مدارس سمپاد چندان اشاره ای نمی کنند. این موضوع دو علت دارد؛ مقابله با این مدارس به خاطر حمایت سفت و سخت مقامات دولتی از آن و نقشی که در برندسازی و ویترین آراییِ نظام آموزشی دارد، عواقب و عوارضی برای منتقدان دارد و نیز بسیاری از چهره های فرهنگی و آموزشی، صاحبان رسانه و تحلیلگران این حوزه به نوعی با این مدارس مرتبط بوده و یا فرزندانشان در آن به تحصیل مشغولند. آن ها این مدارس را تنها جایی می دانند که در فقدان کیفیت آموزشی در اغلب مدارس، پناهگاهی برای دانش آموزان بااستعداد فراهم کرده است.

این در حالی است که مدارس عادیِ دولتی به حال خود رها شده اند و در مقابل آن معدود مدارس باکیفیت که جمعیت زیادی را هم پوشش نمی دهند، با بودجه عمومی به آموزش دانش آموزان بااستعداد می پردازند تا از بین آن ها چند برنده المپیاد هم بیرون آمده و مسئولان هم با گرفتن عکس یادگاری در کنار آن ها، ژست پیروزی و موفقیت بگیرند. حتی درنهایت هم بررسی و مطالعه دقیقی صورت نمی گیرد که این برندگان المپیاد و فارغ التحصیلان بااستعداد سمپاد چه سرنوشتی پیدا کرده و در کجا مشغول شده اند و آیا در توسعه و ترقی کشور نقشی ایفا کرده اند یا خیر؟ جالب اینجاست که این مدارس با وجود توجه و تمرکز زیاد سیستم دولتی، بانک اطلاعاتی مشخصی از فارغ التحصیلان خود ندارد و معمولا در پاسخ به این نکته که اکثر سمپادی ها راه مهاجرت در پیش می گیرند، از وضعیت مشابه فارغ التحصیلان مدارس دیگر از جمله غیردولتی ها سخن می گویند، حال اینکه آن ها با هزینه خود تحصیل کرده اند.

به باور کارشناسان، همانند سایر حوزه ها، آموزش هم در این چند دهه با کسری بودجه مواجه بوده و میزان بودجه آن نسبت به تولید ناخالص داخلی، هرسال نسبت به سال قبل کمتر شده است و این امر به آشفتگی مدارس، کمبود معلم، نبود امکانات سخت افزاری، تراکم جمعیت کلاس های درس و دیگر مشکلات منجر شده است.

یکی از کارشناسان اسبق نظام آموزشی با انتقاد از این وضعیت، عنوان کرده است: «دولت همانند حوزه بهداشت، سال به سال بی توجهی خود به آموزش و پرورش را بیشتر کرده و بار مالی این حوزه را از دوش خود برداشته و به والدین منتقل کرده است. به همین خاطر ضمن حفظ قالبِ دولتی مدارس، شروع به گرفتن پول از اولیا و دسته بندی مدارس برحسب میزان شهریه و کیفیت آموزشی کرده است. به این ترتیب تنوع مدارس ایران رکورد شکسته و حدود ۲۰ گونه مدرسه که در شهریه و کیفیت آموزشی متفاوت هستند، پا به عرصه وجود نهاده اند. مدارس غیردولتی یا همان غیرانتفاعی های سابق، تنها مدارسی هستند که تمام هزینه های آن به عهده والدین و مؤسس مدرسه است و برخی از والدین به خاطر جمعیت کم کلاس ها و انعطاف در ساعات مدرسه که تناسب بیشتری با زندگی آنان دارد و به کارگیری معلمان زبده و مسلط به امر تدریس، فرزندان خود را در این مدارس ثبت نام می کنند و تعداد معدودی از این مدارس هم برند بوده و با مدارس سمپاد رقابت تنگاتنگ دارند.»

### مدارس سمپاد، نیروهای آموزش وپرورش را به عنوان معلم کنکور قبول ندارند!

پیش تر خبرگزاری تسنیم در گفت وگو با صاحب نظران هشدار داده بود که مدارس سمپاد از امتیازات خاصی بهره مند هستند. «حجت الله بنیادی» پژوهشگر آموزش در گفت وگو با «این رسانه» عنوان کرد: «بودجه دولتی برای این مدارس وجود دارد، وقتی مدرسه عادی با گذشت یک ماه از سال تحصیلی هنوز معلم ندارد اما معلمان مدارس سمپاد دو هفته قبل از سال تحصیلی تأمین شده اند این یعنی امتیاز و توجه ویژه. اگرچه دولت، معلم مدارس سمپاد را تأمین می کند و مکلف به این کار است، اما معلمان فوق برنامه و کنکوری مدارس سمپاد از میان نیروهای آزاد هستند که بیشتر فارغ التحصیلان مدارس سمپاد هستند آن هم به این دلیل که نیروهای آموزش وپرورش را به عنوان معلم کنکور قبول ندارند. بنابراین بهترین معلمان در اختیار مدارس سمپاد است و کلاس های فوق برنامه خاصی دارند، اگر می گویید این گونه نیست و مدارس سمپاد امتیاز ویژه ای ندارند پس چه اصراری بر تفکیک است؟! اگر مدارس سمپاد با پول والدین اداره می شوند که مدرسه غیردولتی هستند یعنی فردی که پول دارد و می تواند شهریه پرداخت کند به این مدارس راه می یابد.»

برخی از کارشناسان نیز همچون ابراهیم سحرخیز، معاون اسبق آموزش متوسطه تردیدی ندارند که مدارس دولتی سال هاست در سایه بی مهری دولت ها، در آستانه نابودی قرار گرفته و از حیز انتفاع افتاده اند. کلاس های متراکم ۴۰ نفره، کمبود معلم، پرداخت نشدن یک ریال سرانه آموزشی به حساب مدارس برای رتق وفتق هزینه های جاری مدرسه، پر کردن مدارس دونوبته به وسیله معلمان خرید خدمات آموزشی، افزایش خشونت در کنار رشد روزافزون انواعی از آسیب های اجتماعی در کف مدارس دولتی، تصویر تیره و تاری را از این مدارس پیش روی جامعه قرار داده است. در این میان صاحب نظری همچون محمودرضا اسفندیار پیش تر در این باره نکات تأمل برانگیزی را در گفت وگو با «رسالت» مطرح کرده است. به باور او، ریشه نابرابری در نظام آموزشی و نقش کمرنگ مدارس عادی دولتی در کسب رتبه های برتر کنکور، مدارس غیردولتی نیستند، چراکه نسبت به درصد مدارس دولتی توان رقابت کمتری داشته و غالب ظرفیت های مورد تقاضا در اختیار مدارس سمپاد، نمونه دولتی، هیئت امنایی، شاهد و وابسته است: «مسئولان دولتی طی سه دهه اخیر بر ویژگی های مدارس عادی دولتی و تنوع آن افزودند و برای این که پاسخگو نباشند مدام آدرس غلط می دهند. این که ما سهم اندک قبولی دانش آموزان مدارس دولتی عادی را بر گردن مدارس لاکچری و غیردولتی بیندازیم، درست نیست. به هر نیتی که فردی مدرسه غیردولتی تأسیس کرده باشد، بازهم به صورت سرجمع از بین ۱۴ تا ۱۵ میلیون دانش آموز حدود ۱۱ یا ۱۲ درصد دانش آموزان جمعیت فعلی در غیردولتی ها حضور دارند. آیا این تعداد، سهم آن ۸۸ یا ۸۹ درصد را خورده اند؟ ایراد اساسی، در مدیریت بخش دولتی نهفته است که معلوم نیست چرا کمتر از ۱۵ درصد مدارس دولتی (مدارس با ویژگی خاص) باید بالاترین قبولی های ورود به دانشگاه های دولتی را به خود اختصاص دهند و ۸۵ درصد الباقی دولتی (مدارس عادی دولتی بدون ویژگی خاص) چندان شانسی برای خود قائل نباشند.» اسفندیار در ادامه به این پرسش که از میان ۱۱ درصد مدرسه غیردولتی مگر چند درصد لاکچری هستند، این گونه پاسخ داده است: «شاید از این تعداد درنهایت ۳-۲ درصد لاکچری باشند که بیشتر آن ها در تهران و مراکز استان ها قرار دارند و باید آمارگیری کرد تا مشخص شود از میان کنکوری ها چند درصد در مدارس غیردولتی لاکچری و چند درصد در مدارس غیردولتی عادی تحصیل کرده اند. این را هم باید مدنظر داشت که ۳-۲ درصد مدارس لاکچری با مدارس خاص رقابت دارند و اصلا در اینجا مدارس عادی دولتی مطرح نیستند. در حال حاضر دو گروه برای دانشگاه های دولتی و رشته های ویژه با یکدیگر رقابت دارند که آن ها مدارس خاص دولتی و مدارس خاص غیردولتی هستند و اگر درصد بگیریم دولتی ها بیشترند و شاید ۶ به ۱ باشد یعنی از هر ۶ نفر دانش آموز مدارس لاکچری یک نفر شانس قبولی در رشته های خوب را دارد. بنابراین کسانی که آدرس غلط می دهند به دنبال حل مسئله نیستند.» به باور این کارشناس آموزشی طرح سخنانی شائبه برانگیز مبنی بر این که رشد و توسعه مدارس غیردولتی عدالت آموزشی را زیر سؤال برده، مقرون به واقع نیست: «مگر ۶۰ درصد مدارس ما غیردولتی شده که ۴۰ درصد دولتی بوده باشد؟ خیر ۱۱ درصد غیردولتی است و باید بر روی آن ۸۹ درصد دولتی اصلاحات لازم را انجام داد. اگر این موضوع محقق شود، قطعا به عدالت نزدیک می شویم. چرا باید بیشترین امکانات ممکن را در مدارس دولتی به مدارس خاص بدهیم؟ ما امکانات را میان آن ۸۹ درصد مدرسه دولتی به درستی تقسیم نکرده ایم، آن وقت انگشت اتهام را به سمت ۱۱ درصد غیردولتی نشانه می رویم، درحالی که تمامی این ۱۱ درصد هم، مدارس خاص غیردولتی نیستند بلکه بسیاری از این مدارس، به لحاظ کیفیت از کف مدارس عادی دولتی ما هم ضعیف ترند، بنابراین تمامی این ۱۱ درصد رقیب دولتی ها نیستند، بلکه ۳-۲ درصد رقیب اند. فکر می کنم سرجمع مدارس لاکچری تهران، ۳۰ مدرسه باشد که شاید در کل ۵۰ یا ۶۰ مدرسه با این ویژگی در سطح کشور فعالیت داشته باشند و مدارس خاص دولتی هم این امکانات را در اختیار دارند تا تیم قوی تری تشکیل بدهند، به این علت که در قالب مصوبه ای مشخص، شهریه دریافت می کنند و دارای اعتبارات لازم هستند اما از آن سو، مدارس عادی دولتی ما مصوبه ای ندارند که شهریه مشخصی از اولیا دریافت کنند و چون اقبال به این مدارس کم است، معلمان خوب هم رغبتی به حضور در این مدارس ندارند و عملا بخشی از معلمان ما که در آنجا مشغول هستند، سطح متوسط و پایین تری دارند، البته معلمان خوب هم در این مدارس هستند و کمک می کنند دانش آموزان مدارس عادی دولتی هم درصدی هرچند ناچیز در قبولی رشته های خوب داشته باشند، اما بیشتر این گونه معلمان در مدارس خاص دولتی یا مدارس لاکچری غیرانتفاعی حضور دارند و ریشه آموزش طبقاتی در بخش دولتی نهفته است.»

**پی نوشت:**

**۱- نام «گروهی از کارشناسان» که در متن گزارش مکرر به اظهارات آنان استناد و اشاره شده در نزد روزنامه محفوظ است.**

---

# آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمان های فاقد سند

برابر آراء صادره هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در اداره ی ثبت اسناد واملاک شهرستان بافت تصرفات مالکانه وبلامعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان واملاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ی ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم ورسید آن را به این اداره تحویل نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

بخش ۴۰ کرمان

۱- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۳۳۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ آقای مجید پورچنگیز نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی واقع در اسفیدی بزنجان به مساحت ۱۶۵۵/۳۲ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۳۳ فرعی از ۲۱ - اصلی بخش ۴۰ کرمان خریداری از عبداله پورچنگیز از سهام مجهول و بلاثبت محرز گردید.

۲- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۲۲۸۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۵ آقای مهدی شاکری نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ محصور واقع در قطعه دو مزرعه کرچوئیه به مساحت ۱۶۵۷/۴۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۴ - اصلی بخش ۴۰ کرمان خریداری از آقای محمد صادق شاکری (مالک خودکار سهام مشاعی از پلاک فوق) از سهام مجهول و بلاثبت محرز گردید.

۳- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۲۹۵۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۳ آقای محمدرضا شیخ اسدی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی واقع در مزرعه کرچوئیه به مساحت ۲۸۶۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۴ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت سید موسی موسوی از سهام مجهول و بلاثبت محرز گردید.

۴- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۴۰۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۳ خانم پروین نصیری نسبت به ششدانگ خانه مسکونی واقع در بزنجان به مساحت ۹۳۶/۱۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۶ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت رسمی و مشاعی آقای سید حمزه و خانم گلرخ هردو روحانی محرز گردید.

۵- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۱۹۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۴ خانم عشرت علیخانی نسبت به دودانگ از ششدانگ خانه واقع در بزنجان به مساحت ۳۵۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۶ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت آقای رستم نصیری محرز گردید.

۶- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۰۳۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ آقای دادخدا مهدوی نژاد نسبت به ششدانگ یک قطعه باغچه وزمین مزروعی واقع در بزنجان به مساحت ۴۱۷/۲۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۷ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از سهام مجهول و بلاثبت محرز گردید.

۷- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۲۹۵۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۴ آقای ابوالقاسم جعفری زاده نسبت به سه ونیم دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مشجر ومزروعی واقع در اراضی باغ فخروئیه به مساحت ۷۲۶۲ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۵۲ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت آقای غلام عباس حاجعلیزاده محرز گردید.

۸- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۰۷۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ آقای محمد سیف الدینی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشجر واقع در باغ فخروئیه به مساحت ۱۲۳۴/۲۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۵۲ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت آقای حسین اسفندیار پور محرز گردید.

۹- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۲۹۴۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۳ آقای امین جعفری زاده نسبت به دو ونیم دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مشجر ومزروعی واقع در باغ فخروئیه به مساحت ۷۲۶۲ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۵۲ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت آقای غلامعباس حاجعلیزاده محرز گردید.

۱۰- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۰۷۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ خانم ستاره امینی زاده نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی واقع در روستای برکنان به مساحت ۱۸۵۰/۸۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۵۵ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت قهری خانم توران امینی زاده وآقای علی امینی زاده از وراث مرحوم یاراله امینی زاده محرز گردید.

۱۱- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۰۶۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ آقای نعمت اله حمزه نژاد پلنگ آباد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر خانه وطویله وانبار وباغچه واقع در صالح آباد به مساحت ۲۶۱۹/۵۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۰۲ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت آقای میرزا جان حمزه نژاد محرز گردید.

۱۲- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۳۸۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۲ آقای مجید سلطانی نژاد نسبت به ششدانگ یک باب خانه با کاربری باغ واقع در روستای کرین کیسکان به مساحت ۳۴۴/۴۶ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۷۵ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت آقای چراغعلی سلطانی نژاد محرز گردید.

۱۳- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۰۵۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ آقای احمد بهرامی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین خالی با کاربری زراعی واقع در اراضی خوشکار به مساحت ۲۳۲/۵۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۸۷ - اصلی بخش ۴۰ کرمان خریداری از آقای ابراهیم سلطانی احدی از ورثه مرحوم سیب گل سلطانی نژاد به عنوان مالک رسمی محرز گردید.

۱۴- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۲۹۴۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۳ آقای علیمراد بهرام نژاد نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ واقع در گنوئیه کیسکان به مساحت ۵۳۰۷/۵۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۹۰ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت رسمی و مشاعی خود متقاضی محرز گردید.

۱۵- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۲۹۴۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۳ آقای علیمراد بهرام نژاد نسبت به ششدانگ باغ واقع در گنوئیه کیسکان به مساحت ۴۲۲۸/۰۸ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۹۰ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت رسمی و مشاعی خود متقاضی محرز گردید.

۱۶- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۰۳۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ آقای نادر بهرام نژاد نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ واقع در مزرعه سنگوئیه به مساحت ۸۳۳/۹۳ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۹۱ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت اسکندر بهرام نژاد محرز گردید.

۱۷- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۰۰۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۶ آقای نعمت الله سلطانی نژاد نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ واقع در ده زارچی کیسکان به مساحت ۵۱۳/۵۷ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۰۵ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت رسمی و مشاعی مرحوم حمداله سلطانی محرز گردید.

۱۸- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۳۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۹ خانم زیور عبدالهی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی واقع در اراضی قلعه کهنه به مساحت ۹۶۵/۲ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۷۶۱ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت عوض عبدالهی احدی از مالکین رسمی و مشاعی محرز گردید.

۱۹- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۲۹۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۹ خانم زیور عبدالهی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی واقع در اراضی قلعه کهنه به مساحت ۲۷۶/۵۶ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۷۶۱ - اصلی بخش ۴۰ کرمان برابر تقسیم نامه عادی بین ورثه مرحوم عوض عبدالهی احدی از مالکین رسمی و مشاعی محرز گردید.

۲۰- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۲۹۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۹ خانم زیور عبدالهی نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی واقع در اراضی قلعه کهنه به مساحت ۸۶۴/۸۲ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۷۶۱ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت عوض عبدالهی احدی از مالکین رسمی و مشاعی محرز گردید.

۲۱- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۲۹۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۹ خانم شوکت رنجبر نژاد نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ واقع در اراضی قلعه کهنه به مساحت ۱۲۵۶/۳۶ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۷۶۱ - اصلی بخش ۴۰ کرمان برابر تقسیم نامه عادی بین ورثه مرحوم غلامرضا رنجبر احدی از مالکین رسمی و مشاعی محرز گردید.

۲۲- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۰۳۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ آقای علی رستگاری نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی واقع در زیر دانشگاه آزاد بافت به مساحت ۳۵۱/۷۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۷۹۸ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از سهام مجهول وبلاثبت محرز گردید.

۲۳- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۰۳۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ خانم مهری سعید نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی واقع در زیر دانشگاه آزاد بافت به مساحت ۳۵۱/۷۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۷۹۸ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از سهام مجهول وبلاثبت محرز گردید.

۲۴- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۰۳۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ خانم بدری سعید نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با کاربری زراعی واقع در زیر دانشگاه آزاد بافت به مساحت ۳۵۱/۷۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۷۹۸ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از سهام مجهول وبلاثبت محرز گردید.

۲۵- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۳۷۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۲ خانم فرزانه محمد درختی نسبت به ششدانگ مغازه واقع در بافت بازار ولی عصر به مساحت ۱۹/۳۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹۳۰ - اصلی بخش ۴۰ کرمان خریداری از خانم حمیده روح الامینی محرز گردید.

۲۶- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۳۹۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۳ خانم صدیقه رسولی نسبت به ششدانگ مغازه واقع در بافت بازار ولی عصر به مساحت ۲۵/۰۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹۳۰ - اصلی بخش ۴۰ کرمان خریداری از آقای عین اله خواجه محرز گردید.

۲۷- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۰۶۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ خانم فهیمه خان آقائی نسبت به ششدانگ مغازه واقع در بافت بازار ولی عصر به مساحت ۲۳/۲۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹۳۰ - اصلی بخش ۴۰ کرمان خریداری از آقای مجید عسکری از محل مالکیت رسمی و مشاعی آقای درویش امیری وغیره محرز گردید.

۲۸- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۳۹۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۳ آقای غلامرضا تجلی نسبت به ششدانگ مغازه واقع در بافت بازار ولی عصر به مساحت ۲۱/۲۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹۳۰ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت عین اله خواجه وغیره محرز گردید.

۲۹- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۲۵۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۶ خانم منصوره کاظمی حسن آبادی نسبت به ششدانگ مغازه واقع در بافت بازار ولی عصر به مساحت ۲۳/۲۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹۳۰ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت عین اله خواجه و سایر شرکا محرز گردید.

۳۰- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۳۷۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۲ خانم سحر افشار حسین آبادی نسبت به ششدانگ مغازه واقع در بافت بازار ولی عصر به مساحت ۲۱/۲۲ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹۳۰ - اصلی بخش ۴۰ کرمان خریداری از خانم کبری نیک روان محرز گردید.

۳۱- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۱۸۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۴ آقای ابراهیم کاویانی نسبت به ششدانگ مغازه واقع در بافت بازار ولی عصر به مساحت ۳۰/۴۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹۳۰ - اصلی بخش ۴۰ کرمان برابر وصیت نامه از سوی مرحوم عبداله کاویانی از محل مالکیت مشاعی مالکین رسمی محرز گردید.

۳۲- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۱۸۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۴ آقای محمد جلالی نسبت به ششدانگ مغازه واقع در بافت بازار ولی عصر به مساحت ۲۱/۲۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹۳۰ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت آقای ابراهیم اکبری و سایر شرکا محرز گردید.

۳۳- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۴۰۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۳ خانم حنیفه سلطانی نژاد نسبت به ششدانگ مغازه واقع در بافت بازار ولی عصر به مساحت ۲۱/۵۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹۳۰ - اصلی بخش ۴۰ خریداری از درویش امیری نسب و سایر مالکین مشاعی محرز گردید.

۳۴- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۲۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۴ خانم اسماء شفیعی بافتی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین شخم زده با کاربری کشاورزی واقع در باقر آباد به مساحت ۶۱۲/۱۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹۹۹ - اصلی بخش ۴۰ کرمان خریداری از آقای حمداله شفیعی بافتی محرز گردید.

۳۵- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۲۸۳۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۸ آقای جلال محمدی زاده گریغانی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی واقع در اراضی باقر آباد به مساحت ۲۵۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹۹۹ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت آقای نادعلی صفاری محرز گردید.

۳۶- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۲۸۶۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۹ خانم معصومه یزدانی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی واقع در اراضی قنات سرخ به مساحت ۷۴۸/۳۴ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۱۸۸ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت مرحوم خدامراد لرجانقلی محرز گردید.

۳۷- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۲۸۶۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۹ آقای حسین یزدانی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی واقع در اراضی قنات سرخ به مساحت ۷۴۰/۰۱ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۱۸۸ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت مرحوم خدامراد لرجانقلی محرز گردید.

۳۸- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۳۰۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۹ آقای موسی قزوینی کر نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با کاربری زراعی واقع در بافت اراضی سفته به مساحت ۱۰۶۸/۷۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۲۴۲ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت غلامرضا بیگ مرادی و علی اصغر حامدی مالکین رسمی و مشاعی محرز گردید.

۳۹- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۲۸۷۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۱ آقای رضا بیگمرادی جبالبارزی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشجر واقع در مزرعه سنگوئیه به مساحت ۳۱۸۳ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۲۴۳ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت رضا مرادی بنی اسد محرز گردید.

۴۰- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۳۰۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۹ آقای ابوالقاسم پور رضا نسبت به ششدانگ یکباب خانه و باغچه واقع در مورساروئیه به مساحت ۵۵۲/۱۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۲۵۲ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت آقای یاراله شرفی محرز گردید.

۴۱- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۲۸۱۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۸ آقای علی چابوک نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ نیمه محصور واقع در اراضی نیمرو محمودی به مساحت ۸۶۷/۱۶ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۴۹۱ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت آقای نعمت اله آقائی افشار یکی از مالکین رسمی و مشاعی محرز گردید.

۴۲- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۳۲۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ خانم نجمه ایزد پناه نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی واقع در اراضی دو چشمه به مساحت ۳۴۴۶/۴۴ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۷۷۵ - اصلی بخش ۴۰ کرمان خریداری از ورثه مرحوم شهریار بیگ مرادی از میزان مجهول و بلاثبت محرز گردید.

۴۳- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۳۲۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۹ خانم نجمه ایزد پناه نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی واقع در اراضی دوچشمه به مساحت ۳۱۱/۶۶ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۷۷۵ - اصلی بخش ۴۰ کرمان خریداری از ورثه مرحوم شهریار بیگ مرادی از میزان مجهول و بلاثبت محرز گردید.

۴۴- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۰۳۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ خانم معصومه سلطانی نژاد نسبت به ششدانگ یک باب خانه واقع در بافت بلوار دانشگاه آزاد به مساحت ۲۶۱/۴۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۸۸۲ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت سیما پرنده غیبی محرز گردید.

۴۵- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۲۷۳۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۰ خانم خدیجه حمزه نژادی نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ واقع در بافت آسیاب جفته به مساحت ۱۵۷۲/۶۷ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۶۱ فرعی از ۱۹۹۳ - اصلی بخش ۴۰ کرمان از محل مالکیت رسمی و مشاعی خود متقاضی محرز گردید.

بخش ۴۱ کرمان

۴۶- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۲۸۲۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۸ دولت جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی از دانشگاه علوم پزشکی کرمان نسبت به ششدانگ یک باب ساختمان خانه بهداشت واقع در گدار سبز به مساحت ۵۴۷/۴۶ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۸۶ - اصلی بخش ۴۱ کرمان از محل مالکیت آقای مراد شاهی مریدی محرز گردید.

بخش ۴۲ کرمان

۴۷- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۰۴۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ آقای دادخدا مهدوی نژاد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی واقع در روستای چغارچوئیه به مساحت ۱۰۸/۷۸ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۰۲ - اصلی بخش ۴۲ کرمان از میزان مجهول وبلاثبت محرز گردید.

بخش ۴۳ کرمان

۴۸- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۲۹۴۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۳ آقای حمید صادقی گوغری نسبت به ششدانگ باغ نیمه محصور واقع در روستای پروان به مساحت ۳۵۵۲۵/۶۹ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۴ فرعی از ۲۷۰ - اصلی بخش ۴۳ کرمان از محل مالکیت یداله صادقی محرز گردید.

۴۹- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۳۳۹۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۳ خانم مهین شاهدادی نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ واقع در اراضی جفریز گوغر به مساحت ۶۶۴/۹۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۷ فرعی از ۲۸۳ - اصلی بخش ۴۳ کرمان از میزان سهام مجهول و بلاثبت محرز گردید.

۵۰- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۲۸۱۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۸ آقای معیار مددی زاده نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ واقع در گوغر روستای گودال به مساحت ۱۵۱۱/۶۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹۹ فرعی از ۲۹۹ - اصلی بخش ۴۳ کرمان از محل مالکیت رسمی و مشاعی خود متقاضی محرز گردید.

تاریخ انتشار نوبت اول: سه شنبه ۱۴۰۴/۰۵/۲۸
۱- تاریخ انتشار نوبت دوم: چهار شنبه ۱۴۰۴/۰۶/۱۲
شناسه آگهی ۱۹۸۴۶۴۱